

www.ketab.ir

توبه
مطبعه

مجمع روحانیون مبارز

موضوع: جامعه‌شناسی سیاسی • تهیه‌کننده:
پژوهشکده تحقیقات اسلامی • نویسندگان:
صادق سلیمی بنی - آیت مظفری • ویراستار:
جواد احمدی • صفحه‌آرا: حمزه زاهدی •
چاپ: الهادی • نوبت چاپ: اول • تاریخ چاپ: پاییز
۱۳۹۰ • شمارگان: ۲۰۰۰ • قیمت: ۵۰۰۰ تومان •
شابک: ۷ - ۱۱۲ - ۲۴۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قم، خ شهید فاطمی (دور شهر)، نبش فاطمی ۳، پلاک ۸۱
تلفکس: ۷۷۳۰۷۲۵ - ۷۷۳۰۲۵۱، همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸ ۸۷
E.mail: tooba@ofogh.net صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۶۴۱

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه نماینده محتوم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۲۳	مقدمه نویسندگان

فصل اول: معرفی مجمع روحانیون مبارز

۲۸	ساختار و تشکیلات
۳۰	قلمرو فعالیت
۳۱	اعضای مؤسس و شورای مرکزی
۳۴	شرایط عضویت
۳۵	اهداف
۳۶	منابع مالی
۳۷	مکان‌های فعالیت
۳۷	ارتباطات
۳۸	ارگان رسمی
۴۰	خط مشی کلی
۴۲	۱. فرهنگی
۴۳	۲. اقتصادی
۴۳	۳. سیاسی
۴۵	گروه‌ها و احزاب نزدیک به مجمع روحانیون مبارز

فصل دوم: تاریخچه و تحولات

۴۸	۱. تأسیس و توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی
۴۹	۱-۱. تحقق هدف اصلی
۴۹	۱-۲. شهادت شخصیت‌های مهم

۴۹	۱-۳. عدم دقت کافی در جذب نیروهای جدید.
۵۰	۱-۴. گسترش اختلاف در خط مشی اقتصادی و سیاسی
۵۱	۲. چگونگی تأسیس
۵۸	نامه شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز به محضر حضرت امام خمینی در ۲۵ فروردین ۱۳۶۷
۶۲	۳. علل شکل‌گیری مجمع روحانیون مبارز
۶۲	۱-۳. کاهش خطر دشمن مشترک
۶۴	۲-۳. شهادت شخصیت‌های مهم جامعه روحانیت مبارز
۶۵	۳-۳. بروز اختلاف نظر پس از عینی شدن اعمال حاکمیت
۸۰	۴. آثار تأسیس مجمع روحانیون مبارز
۸۰	۱-۴. آثار مثبت
۸۲	۲-۴. آثار منفی

فصل سوم: مبانی فکری مجمع روحانیون مبارز

۸۹	۱. وحدت دین و سیاست
۹۰	۲. اسلام نوگرا، روشنفکری دینی و مبارزه با تحجر
۹۶	۳. اندیشه امام خمینی (ره)، مبتنی بر تبیین اسلام ناب محمدی (ص) و طرد اسلام آمریکایی
۹۸	۴. دفاع از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران
۹۹	۵. اعتقاد به ولایت فقیه
۱۰۴	۶. عدالت‌خواهی و حمایت از محرومان و مستضعفان
۱۰۶	۷. استکبارستیزی و مبارزه با صهیونیسم
۱۰۸	۸. اصلاح‌طلبی

فصل چهارم: اهداف و سیاست‌ها

۱۱۱	۱. اهداف
۱۱۳	۲. سیاست‌ها
۱۱۳	الف. داخلی
۱۱۷	ب. خارجی

فصل پنجم: دیدگاه‌ها

۱۱۹	۱. انقلاب اسلامی ایران
۱۲۰	۲. نظام جمهوری اسلامی
۱۲۱	۳. رابطه جمهوریت و اسلامیت

۱۲۳	۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی
۱۲۴	۵. ولایت فقیه: امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای
۱۲۴	ولایت امام خمینی (ره) از دیدگاه مجمع
۱۲۵	ولایت آیت الله خامنه‌ای از دیدگاه مجمع
۱۲۷	۶. توسعه سیاسی
۱۲۹	۷. آزادی
۱۳۰	۸. جامعه مدنی
۱۳۲	۹. دشمنان خارجی نظام

فصل ششم: مجمع روحانیون مبارز و نظام جمهوری اسلامی

۱۳۵	انواع رابطه تشکلهای سیاسی با نظام‌های سیاسی
۱۳۶	۱. موافق مدافع
۱۳۶	۲. موافق منتقد
۱۳۶	۳. مخالف
۱۳۶	۴. طیف برانداز غیر مسلح
۱۳۷	۵. طیف برانداز مسلح
۱۳۷	رابطه مجمع با نظام جمهوری اسلامی

فصل هفتم: پایگاه اجتماعی

۱۴۹	۱. سن
۱۵۰	۲. جنسیت
۱۵۰	۳. مذهب
۱۵۱	۴. قومیت
۱۵۱	۵. شغل
۱۵۲	میزان و سطح پایگاه اجتماعی در مقاطع مختلف
۱۵۲	۱. انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی
۱۵۳	۲. انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری
۱۵۴	۳. انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی
۱۵۴	۴. انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری و پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی
۱۵۵	۵. انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری
۱۵۶	۶. انتخابات دوره اول شورای اسلامی شهر و روستا، مجلس ششم و دوره هشتم ریاست جمهوری
۱۵۷	۷. انتخابات دوره دوم شوراهای، مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم

فصل هشتم: انتخابات و ائتلافات

انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی	۱۵۹
انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری	۱۶۰
انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی	۱۶۱
انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری و مجلس پنجم	۱۶۲
انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری؛ شروع مجدد فعالیت سیاسی	۱۶۴
تشکل‌های همسو با مجمع روحانیون در عرصه انتخابات	۱۶۷
انتخابات دوره اول شورای اسلامی شهر تهران	۱۷۰
انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۷۰
انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری	۱۷۲
انتخابات دوره دوم شورای اسلامی شهر و روستا	۱۷۵
انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۷۶
انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری	۱۷۷
انتخابات دهم ریاست جمهوری	۱۷۸

فصل نهم: عملکردها

الف. عملکرد مثبت	۲۰۳
۱. بهره‌گیری از ادبیات انقلابی، تعظیم شعائر اسلامی و گرامیداشت مناسبت‌ها	۲۰۳
۲. دعوت از مردم برای حضور در جبهه‌های جنگ	۲۱۳
۳. محکومیت انتشار کتاب موهن آیات شیطانی	۲۱۳
۴. حمایت از عزل منتظری	۲۱۴
۵. بیعت با مقام معظم رهبری و حمایت از مواضع ایشان	۲۱۹
۶. توصیه به تقلید از آیت‌الله اراکی پس از رحلت امام خمینی (ره)	۲۲۱
۷. دعوت به شرکت در همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری دوره پنجم	۲۲۱
۸. تأکید بر تداوم خط امام خمینی (ره) پس از رحلت ایشان	۲۲۳
۹. حمایت از ملت‌های ستمدیده جهان	۲۲۶
۱۰. حمایت از مواضع قاطع مقام معظم رهبری در رد مذاکره با آمریکا	۲۲۷
۱۱. ثبات مواضع سیاسی مجمع پیرامون مسائل فلسطین و اسرائیل	۲۲۸
۱۲. واقعه تیرماه ۱۳۷۸	۲۲۹
۱۳. تمکین به حکم حکومتی مقام معظم رهبری در رد اصلاحیه قانون مطبوعات	۲۳۰
۱۴. عدم حضور در کنگره دوم خرداد	۲۳۴
ب. عملکرد منفی	۲۳۵
۱. عملکرد و مواضع در قبال ارگان‌ها و نهادهای وابسته به نظام	۲۳۵
۲. مواضع و عملکرد مجمع روحانیون مبارز در قبال دولت‌ها و رخدادها	۲۵۱

۲۷۷	جمع‌بندی
۲۸۷	پیوست ۱. زندگی‌نامه شخصیت‌های برجسته مجمع
۲۸۷	حجت‌الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها
۲۸۹	حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی
۲۹۱	حجت‌الاسلام سید علی اکبر محتشمی‌پور
۲۹۳	حجت‌الاسلام سید عبدالواحد موسوی لاری
۲۹۳	حجت‌الاسلام مجید انصاری
۲۹۴	حجت‌الاسلام سید محمدعلی ابطحی
۲۹۶	حجت‌الاسلام اسدالله بیات زنجانی
۲۹۶	حجت‌الاسلام سید مهدی امام جمارانی
۲۹۷	حجت‌الاسلام محمدصادق گبوی (خلخال)
۲۹۸	حجت‌الاسلام محمدرضا توسلی
۲۹۸	حجت‌الاسلام محمدعلی رحمانی
۲۹۹	حجت‌الاسلام علی اکبر اشتیانی
۲۹۹	حجت‌الاسلام محمدعلی صدوقی
۳۰۰	حجت‌الاسلام اسدالله کیان‌ارثی
۳۰۰	حجت‌الاسلام سید سراج‌الدین موسوی
۳۰۰	حجت‌الاسلام حسن صانعی
۳۰۱	جداشدگان از مجمع روحانیون
۳۰۱	حجت‌الاسلام مهدی کروی
۳۰۴	حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا
۳۰۵	حجت‌الاسلام سید محمود دعایی
۳۰۷	حجت‌الاسلام محمدحسن رحیمیان
۳۰۸	حجت‌الاسلام هادی غفاری
۳۱۱	پیوست ۲. اسانامه مجمع روحانیون مبارز تهران
۳۱۷	فهرست منابع

مقدمه نمایندۀ محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره: در واپسین سالهای دهه دوم از تالیخ انقلاب اسلامی ایران و در حین فراز و فرود جریانه‌ها و تشکله‌ها و احزاب سیاسی با گرایش‌های متفاوت در عرصه حاکمیت و چالش‌ها و تضارب آراء و اندیشه‌ها، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه بر آن شد تا پژوهشی پیرامون تشکله‌ها و احزاب تأثیرگذار در عرصه سیاسی به عمل آورد. در این کلام مقدماتی، به چرایی و چگونگی این پژوهش می‌پردازیم:

۱. هدف پژوهش

هدف تحقیق، شناسایی ماهیت فکری-سیاسی تعدادی از تشکله‌ها و احزاب سیاسی تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف حاکمیت و ارزیابی مواضع و عملکرد آنان در راستای اهداف و آرمانها و رسالت حاکمیت دینی و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این تحقیق از طریق بررسی دیدگاهها، مواضع و جهت‌گیری‌ها و عملکرد آنان در سه دهه اخیر انقلاب و انطباق مواضع و عملکردها با شاخص‌ها و معیارهای دینی و ارزشی به منظور شناخت تشکله‌ها و احزاب و نقش آنان در تقویت و یا تضعیف حاکمیت دینی و نظام اسلامی و تفکیک گروههای همسو و همگرا با اصول و مبانی نظام دینی و حاکمیت اسلامی و رهبری به عنوان محور حکومت الهی از دیگر گروهها دنبال خواهد شد.

۲. چرایی پردازش به احزاب و تشکله‌ها

در پاسخ به چرایی بحث می‌توان به چند عامل اشاره کرد:

۲/۱. وجود جریان های فکری معارض با اندیشه های دینی

در تاریخ معاصر ایران چهار جریان شاخص فکری وجود دارد و هر کدام دارای مبانی و گرایشات خاص خود هستند. این جریانهای فکری در شکل گیری احزاب و گروهها بسیار تأثیرگذار بوده اند. از همین رو جریان شناسی و جبهه شناسی این چهار جریان برای یک مسلمان و مؤمن که همواره در پی جریان حق و دستیابی به مصداق جبهه حزب الله و خط ولایت الهی می باشد بسیار ضروری است. در بین جریانهای فکری، اعتقادی و سیاسی متفاوت با گرایشات گوناگون، صراط مستقیم و جبهه حق و جریان حزب الله یکی است و دیگر جریانها و جبهه ها که منطبق با شاخص ها و معیارهای تعیین شده نباشند خارج از جبهه حق بوده، در مسیر انحرافی قرار دارند. آیات شریفه قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام با اشاره به دسته بندی ها در جامعه و تبیین معیارها و شاخص های اهل حق، بر شناخت اهل زمان و انتخاب راه درست تأکید کرده اند. قرآن مجید، جریانهای موجود در جامعه آن روز را به مؤمنان، منافقان و کافران طیف بندی می کند و پیروزی و نجات را از آن جبهه مؤمنان می داند. در یک دسته بندی دیگر، جریانها را به السابقون «پیشگامان در جبهه صراط مستقیم» و جریان راست «اصحاب المیمنه» و جریان چپ «اصحاب المشئمه» تقسیم بندی می کند. یک جبهه بندی وسیع تر، جریانهای موجود را به «حزب الله» و «حزب الشیطان» تقسیم می نماید. و با تعیین معیارها و شاخص ها برای هر یک، پیروزی و حاکمیت قطعی را از آن جبهه حزب الله می داند، و در دو بیان می فرماید: «أَلَا إِنَّ جِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «أَلَا إِنَّ جِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ».

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در ترسیم چشم انداز دسته بندی ها و هشدار و هدایت مردم در جهت دستیابی به جبهه حق می فرماید:

إِفْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ افْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفَرَّقُوا أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً.^۱

جامعه تحت حاکمیت حضرت موسی پس از رحلت رهبرشان به هفتاد و یک فرقه، جامعه عیسی پس از او به هفتاد و دو گروه و امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند که تنها یک فرقه و گروه آن اهل نجات و صراط مستقیم هست و بقیه در مسیر انحرافی قرار خواهند داشت.

در هر جامعه‌ای حسب شرایط و مقتضیات، جریانها و تشکلهای در دستبندی‌ها و طیف‌های مختلفی قرار می‌گیرند. در اینجااست که شناخت ماهیت جریانها و تشخیص جبهه حق از باطل و خودی از غیر خودی در انتخاب راه درست حائز اهمیت می‌گردد.

در بیانی امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از فرزنداناش می‌فرماید: «یا بُنَّیَّ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ... أَنْ یَعْرِفَ أَهْلَ زَمَانِهِ»^۱.

به طور کلی در تاریخ معاصر ایران چهار جریان فکری مهم مطرح و باهم در رقابت بوده‌اند که به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

اول: جریان فکری دینی: یکی از جریانهای مهم در تاریخ معاصر، جریان بیداری اسلامی و بازگشت به دین بوده است که معمولاً در یکصد سال اخیر با محوریت روحانیت و فقیهان بزرگ وارد عرصه‌های اجتماعی شده است. هدف سردمداران این جریان، همانا بیداری جامعه و احیای مکتب اسلام و در نهایت حاکمیت اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی بوده است. این جریان از مبارزات علمای بزرگ قبل از نهضت مشروطیت و مبارزه شیخ فضل الله نوری با جریان انحرافی در مشروطیت شروع می‌شود و با تأکید بر اسلامیت حرکت نهضت ملی ایران و نقش آیت الله کاشانی در برابر جریان ملی‌گرایی و تأکید بر اسلامیت حرکت و نقش حضرت امام (ره) در رهبری جریان فکری دین‌مداری در جامعه و در نهایت پیروزی و حاکمیت اسلام و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌یابد. این جریان با تکیه بر حقیقت اسلام مبتنی بر قرآن و سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و بدون هیچ‌گونه وابستگی فکری به جریانهای انحرافی لیبرالیسم و سوسیالیسم در صدد ترویج و اجرای جامعیت اسلام بوده است.

دوم: جریان فکری ناسیونالیسم و ملی‌گرایی: دیگر از جریانهای فکری در تاریخ معاصر ایران، جریان ناسیونالیسم و ملی‌گرایی با تکیه بر عناصر ملیت، ایرانیت، و اتکا به ارزشها، آداب و رسوم باستانی در ادوار گذشته تاریخ است.

عناصر مؤلفه‌های ناسیونالیسم، اصالت دادن به ملیت در برابر اصالت الله، وطن پرستی ستایش و قداست برای خاک، نژاد، زبان و تاریخ و به طور کلی باستان‌ستایی، بیگانه‌ستیزی و تکیه بر سکولاریزم به عنوان ایدئولوژی می‌باشد. چنانچه ملی‌گرایی در چارچوب مؤلفه‌های فوق باشد و جهت‌گیری آن نسبت به اصالت، ملیت و ایرانیت، در برابر اصالت الله و به معنای

نفی اعتقاد به اسلام و دارای ماهیت سکولاریستی و قرار دادن دین در قلمرو فردی باشد، قطعاً چنین جریان فکری ضد اسلام بوده و با اصول و مبانی دین سازگاری ندارد، اما اگر گرایشات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی و حفظ ارزشهای ملی و باستانی در چارچوب اصول و مبانی دینی و همراه با پذیرش اصول و ضروریات نظام اسلامی باشد، با استانداردهای دینی منافاتی نخواهد داشت. در نگرش دینی علاقه و حب به وطن و اهتمام به نژاد، ملت و یا سرزمین مورد توجه قرار گرفته است.

سوم: جریان فکری لیبرالیسم: لیبرالیسم در غرب بر مبنای اصالت انسان به جای اصالت الله، تکیه بر آزادی فردی، اصالت لذت به جای اصالت کمال، دموکراسی و تأکید بر مشروعیت حکومت و قوانین شکل گرفته بر اساس رأی مردم، و نیز بر اساس سکولاریسم به معنای قرار دادن اعتقاد به خدا در قلمرو نیازهای فردی بنا شده است.

لیبرالیسم در ایران چنانچه منطبق با مؤلفه‌ها و عناصر لیبرالیسم غربی باشد و بر مبنای اصالت انسان و تفکیک دین از سیاست و نفی مشروعیت الهی حاکمیت و قوانین باشد قهراً خارج از چارچوب اصول و معیارهای دینی است، اما در صورتی که به گونه‌ای دیگر تعریف گردد که منطبق با اصول و مبانی نظام اعتقادی دینی باشد و لیبرالیسم و دموکراسی صرفاً به عنوان شیوه اداره حکومت در نظر گرفته شود، چنین نگاهی خارج از قانون اساسی نخواهد بود، چرا که قانون اساسی شیوه اداره کشور را بر مبنای دموکراسی و یا روش مراجعه، آراء مردم تعیین نموده است. به هر حال پابندی به هر یک از شاخصه‌های لیبرالیسم به معنای خروج از اصول و مبانی دینی است.

چهارم: جریان فکری مادی‌گری و مارکسیسم: مارکسیسم بر مبنای اصالت ماده در برابر اصالت الله، نفی خدا و متافیزیک، ضدیت با دین و مذهب و تکیه صرف بر تجربه به عنوان تنها منبع شناخت و نفی مالکیت خصوصی و زیربنا بودن اقتصاد شکل گرفت و چنین تفکر و جریانی در ضدیت کامل با مبانی و اصول دینی است.

جریانهای مارکسیست و مادی‌گرا در ایران و برخی دیگر کشورها نیز با تکیه بر مبانی و اصول مارکسیسم شکل گرفت، و توانست در دوره‌ای نه چندان طولانی جای پای خود باز کند. در هر حال هرگونه وابستگی به جریان فکری مارکسیستی خارج از اصول و مبانی دینی است.

جریانهای فکری مورد اشاره در شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی و به تبع آن نفوذ در قدرت و حاکمیت در تاریخ معاصر نقش زیادی داشته‌اند، به ویژه پس از پیروزی انقلاب که دوران شکوفایی احزاب و گروههای سیاسی بود وجود این تفکرات در تشکیل احزاب ایفای نقش می‌نمودند.

۲/۲. تفاوت مبانی فکری و عملکرد احزاب و تشکلهای

با بررسی تاریخ احزاب و تشکلهای سیاسی به دست می‌آید که در تاریخ معاصر پیش از دویست و هشتاد حزب و گروه اعلام موجودیت کرده و به نوعی در عرصه سیاسی فعالیت داشته‌اند. تاریخچه احزاب و گروههای مزبور را می‌توان در چهار دوره زمانی ارزیابی کرد:

الف. احزاب و گروههای قبل از مشروطیت

ب. احزاب و گروهها از مشروطیت تا سقوط قاجار

ج. احزاب و گروهها پس از شهریور ۲۰ تا سقوط پهلوی دوم

د. احزاب و گروهها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اما مجموعه احزاب و تشکلهای سیاسی از نظر ایدئولوژی، در طیفهای چهارگانه زیر دسته‌بندی می‌شود:

اول) احزاب و گروههای اسلامی: منظور احزاب و تشکلهایی هستند که در طول صد سال اخیر برای استقرار حاکمیت دینی تلاش و مبارزه کردند و بعد از حاکمیت دولت اسلامی برای استقرار و پاسداری از آن در عرصه‌های سیاسی فعال بوده‌اند.

دوم) احزاب و گروههای ملی‌گرا: احزاب و گروههایی هستند که ملیت و ایرانی‌ت ملیت‌مداری و وطن‌گرایی را مبنای تفکر و فعالیت خود قرار داده‌اند. که بسیاری از این گروهها، دارای گرایشات لیبرالیستی و شاخص‌های تفکر لیبرالیسم هستند. اما خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول دارای گرایشات مذهبی، با تفکر سکولاریستی‌اند، مثل نهضت آزادی و انجمن حجیه. دسته دوم گرایشات غیرمذهبی داشته، و در تقابل با حکومت دینی قرار می‌گیرند، همچون جبهه ملی و بسیاری از احزاب سلطنت‌طلب.

سوم) احزاب و گروههای مارکسیستی: احزاب و گروههایی هستند که دارای مبانی مادی‌گری و متکی به شاخص‌های مارکسیسم بوده، آشکارا یا غیر آشکارا در تقابل با نظام دینی قرار گرفته فعالیت داشتند، همانند حزب توده یا فدائیان اکثریت و اقلیت. هرگونه هواداری و سمپاتی و همسویی با جریانهای مارکسیستی انحراف بوده و خارج از چارچوب دینی و اسلامی است.

چهارم) احزاب و تشکل‌های التقاطی: گروه‌هایی هستند که از نظر ایدئولوژیک ریشه در دو یا چند مکتب دارند. این تشکلهای احزاب در ایران دارای ایدئولوژی با ترکیبی از اسلام و مکاتب وارداتی غربی یا شرقی هستند که در دو طیف قابل دسته‌بندی هستند.

الف. التقاط اسلام با لیبرالیسم: گروه‌ها و احزابی هستند که معتقدند اسلام دارای نظامی اعتقادی و عبادی است، اما جامعیت و نظام سیاسی و اقتصادی ندارد. اینان ضمن پذیرش اعتقاد دینی و عمل نسبی فردی، آموزه‌های لیبرالیستی را مبنای حرکت و فعالیتهای خود قرار داده‌اند. این تشکلهای احزاب دارای تفکر سکولاریستی و جدایی دین از سیاست هستند، حکومت دینی را قبول ندارند، معتقد به ولایت فقیه نیستند. این احزاب و گروه‌ها وابسته به اندیشه‌های غربی و به جریانهایی راست معروف هستند.

ب. التقاط اسلام با مارکسیسم: گروه‌ها و احزابی هستند که اعتقاد دینی را از اسلام گرفته و انجام برخی مناسک دینی و عبادی را پذیرفته‌اند، اما نظام سیاسی و اقتصادی را با الگوگیری از ایدئولوژی سوسیالیستی مبنای حرکت خود قرار داده‌اند و بسیاری از آیات و روایات را تفسیر سوسیالیستی نموده و ایدئولوژی خود را توجیه می‌کنند. همچون سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و جنبش مسلمانان مبارز و برخی از گروه‌های دیگر. وجه مشترک دو جریان التقاطی شناخت سطحی از اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی می‌باشد و بخاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی‌های غربی و یا شرقی افتاده‌اند.

۲/۳. تاثیر و نقش احزاب و تشکلهای ساختار قدرت

در جامعه و نظام مبتنی بر دموکراسی و مردم سالاری، جریانهایی فکری و تشکلهای احزاب نقش بسیار مهمی را در ساختار قدرت چه در راستای اهداف و آرمانهای حاکمیت و قانون اساسی و یا انحراف از مسیر اصلی و استحاله نظام، ایفا می‌کنند. به طور خاص در یک نظام مکتبی و حکومت مبتنی بر دین و شریعت اسلام با محوریت و سیاستگذاری ولی فقیه، نقش احزاب و تشکلهای استقرار و تحکیم مبانی دینی و یا انحراف از مسیر اصلی و جهت‌گیری به سمت ساختارشکنی، بسیار حساس‌تر و مهم‌تر است. تجربه دهه‌های گذشته و بروز ظهور جریانهای تشکلهای گرایش‌های لیبرالیستی و جهت‌گیری‌های سکولاریستی و ایجاد انحراف در حرکت حکومت دینی مبین این واقعیت می‌باشد. اصولاً دموکراسی شمشیر دودمی است که اگر دستگاه‌ها و نهادها و آحاد مردمی پایبند به مبانی دینی، به الزامات آن توجه نداشته باشند جریانهای تشکلهای

سیاسی می‌توانند زمینه چرخش را در حاکمیت دینی فراهم نمایند. این موضوع، به ویژه در نظام اسلامی که با توجه به عمق و گسترۀ استکبار و کفرستیزی خود، با انبوهی از دشمنان و دسیسه‌های فراوان براندازی مواجه می‌باشد، نمود و اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲/۴. دین محوری حکومت

بر مبنای قرآن و آموزه‌های دینی، دین و آیین مقدس اسلام محور حکومت و اداره جامعه است. در عصر نبوت و امامت این محوریت محقق گردید و حکومت بر مبنای دین در مقاطعی از تاریخ شکل گرفت. تداوم حکومت دینی بر پایه و مبنای قرآن و رهبری برتر در عصر غیبت مستلزم پیش‌بینی نهادها و ساختاری مناسب با شاخص‌ها و معیارهای عصر امامت می‌باشد تا با تکیه بر آن‌ها زمینه تداوم حاکمیت دینی فراهم گردد و جامعه از گمراهی و انحراف مصون بماند. بر این اساس در بیان معصومین شاخص‌های رهبری برای اداره جامعه مدنظر قرار گرفته است. در توفیق امام عصر (عج) در پاسخ به اسحاق بن یعقوب آمده: «وَ اَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ اَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»؛ در حوادثی که رخ می‌دهد به راویان حدیث ما (فقه‌ای عادل) رجوع کنید. آنها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم. در این بیان و دیگر احادیث با تکیه بر اجتهاد و عدالت، فقیه عادل را محور جریان و جبهه حق در تداوم جریان امامت مطرح می‌کند. از این رو قبل از بیان معیارهای جریان اسلامی در عصر غیبت، بیان چند نکته ضروری است:

– عصر غیبت، دوران نیابت عامه است و شاخص‌های فقیه عادل در لسان ائمه بیان شده و انتخاب آن بر عهده مردم با واسطه خبرگان خواهد بود، چه به صورت سنتی در دوره‌های گذشته و یا به صورت سیستم و توسط مجلس خبرگان در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.

– دوران فقاہت به دو بخش تقسیم می‌شود: دوره‌ای که حاکمیت در دست فقیه عادل نمی‌باشد و دوره‌ای که فقیه مبسوط‌الید زمام قدرت را در دست دارد که شرایط جبهه و جریان اسلامی در دو دوره قدری متفاوت است.

– در عصر غیبت با توجه به دسترس بودن قرآن و فرهنگ غنی اهل بیت عصمت و طهارت و شرایط عصر نیابت، در رهبری دو شرط اساسی عصمت و علم غیب، به مصونیت حداکثری یعنی عدالت واقعی و اجتهاد در جهت استنباط مقررات و احکام الهی از قرآن،

سنت، اجماع و عقل تبدیل می‌شود. و دو عنصر اجتهاد و عدالت در ولی فقیه در عصر غیبت کفایت می‌کند.

۱- اگر چه شرائط، شئون و مراتب ولایت در دو عصر امامت و غیبت متفاوت است، اما اختیارات و قدرت ولایت فقیه عادل در اداره حکومت و تبیین مقررات و قوانین و احکام الهی و امور حسبه و اعمال و اجرای مقررات شرع مقدس، همانند ائمه است. همین‌طور میزان تبعیت از ولی فقیه با میزان تبعیت و اطاعت امام معصوم و یا پیامبر ﷺ تفاوتی ندارد. با توجه به توضیحات فوق به برخی شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت اشاره می‌شود:

شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت

۱. اعتقاد به ولایت مطلقه ائمه معصومین ﷺ در امور تکوینی و تشریعی به عنوان مدیران و رهبران عالی جامعه پس از پیامبر اعظم ﷺ.

تداوم جامعه توحیدی عصر نبوی با شاخص‌ها و معیارهای آن، مستلزم تداوم رهبری پس از پیامبر با همان شاخص‌هایی است که در پیامبر بود.

حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت سومین خلیفه، برای اثبات خلافت خود، این چنین به حدیث غدیر استدلال نمود: پیامبر درباره من فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ». سلمان از رسول خدا ﷺ پرسید منظور از این ولایت چیست؟ در پاسخ فرمود: «وَلَا كَوْلَايَ، مَنْ كُنْتُ أَوَّلَى بِهِ مِنْ نَفْسِي»؛^۱ منظور از ولایت، ولایتی همچون ولایت من است که من به خود مؤمنان از خودشان اولی هستم و از جان آن‌ها بر آنان برتری دارم.

۲. اعتقاد به پیوستگی دوران فقاہت با عصر امامت: دوران غیبت در حقیقت واسطه‌ای است بین عصر امام عسکری و دوره جهانی شدن اسلام به رهبری امام عصر (عج). به بیان دیگر در دوره غیبت زمام امور مردم به عهده فقهای عادل است به ویژه در زمان حاکمیت ولی فقیه که نیابت عام از امام عصر خواهد داشت. همان‌طور که در بیان حضرت مهدی (عج) آمده «فانهم حجتی علیکم» همانند امامان فقها حجت بر شما هستند معنی و مفهوم آن پیوستگی بین این دو دوره می‌باشد.

۳. اعتقاد به نصب توصیفی فقها از ناحیه ائمه معصومین ﷺ، در کنار نصب تنصیصی ائمه توسط پیامبر و یا امام قبل از او. در روایات منقول از ائمه ﷺ خصوصیات فقهاء در عصر غیبت که

عهده‌دار ولایت هستند بیان شده که از جمله آنها روایتی است از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا»^۱.

هر کس در میان شما که حدیث ما را روایت کند و حلال و حرام ما را بررسی و احکام ما را بشناسد باید حاکم و داور بودن او را بپذیرید. همانا من او را رهبر و حاکم شما قرار دادم.

۴. اعتقاد به ولایت فقیه در عصر غیبت: در مقابل کسانی که ولایت را محدود به وظائف مذکور در قانون اساسی می‌دانند و یا محدود در امور حسبه می‌دانند، حضرت امام (ره) می‌فرماید: «فَلِلْفَقِيهِ الْعَادِلِ جَمِيعُ مَا لِلرَّسُولِ وَ الْأَمَّةِ عليهما السلام مِمَّا يَرْجِعُ إِلَى الْحُكُومَةِ وَ السِّيَاسَةِ»^۲؛ فقیه عادل در مورد حکومت و سیاست دارای همه آن اختیاراتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام داشتند.

۵. اعتقاد به وجود حکومت و نظام سیاسی و دیگر نظامها برای اسلام: در مقابل جریانها و گروههایی که معتقدند اسلام نظام حکومتی و سیاسی و یا نظام اقتصادی ندارد، جای جای قرآن و روایات و سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام مبین این است که اسلام دارای حکومت و نظام سیاسی و اقتصادی است و اصولاً بدون حکومت امکان اجرای احکام و مقررات اسلامی وجود ندارد.

قرآن می‌گوید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) بعثت پیامبران همراه با کتاب و میزان به منظور قیام مردم به قسط و عدل، مبین شا کله حکومتی مکتب اسلام است.

۶. اعتقاد به جامعیت دین و پیوستگی بین دین و سیاست: جامعیت دین اسلام و پیوستگی بین دین و سیاست از ضروریات قطعی است. در مقابل، تفکر سکولاریستی و جریانهایی بر این باورند که دین جزو ملزومات فردی است و جنبه عبادی دارد و از همین رو نباید در قلمرو حکومت دخالت داشته باشد. در حالی که آموزه‌های دینی خلاف این را اثبات می‌کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: دین ده جزء دارد که یک جزء آن عبادت است و اجزاء دیگر مربوط به دیگر شئون جامعه است. حضرت امام (ره) می‌فرماید: «فَمَنْ تَوَهَّمَ أَنَّ الدِّينَ مُنْفَكٌّ عَنِ السِّيَاسَةِ فَهُوَ جَاهِلٌ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹.

۲. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۷.

لَمْ يَعْرِفِ الْإِسْلَامَ وَلَا السِّيَاسَةَ^۱؛ یعنی آن کسی که خیال کند دین از سیاست جدا است، او ناآگاهی است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را.

۷. اعتقاد به مشروعیت الهی رهبری و قوانین: در نگرش دینی، حاکم علی الاطلاق ذات باری تعالی است. هم او حق حکومت و وضع مقررات و قوانین را دارد، لذا بعثت پیامبران برای اداره امور جامعه از ناحیه خداوند است و واضح قوانین و مقررات هم ذات باری تعالی و یا کسانی اند که ظرفیت و شرایط را داشته باشند و از طرف خدا مأذون به وضع مقررات و احکام باشند؛ در برابر جریانهایی که مشروعیت حکومت و مقررات را مبتنی بر رأی اکثریت مردم می دانند.

۸. اعتقاد به نقش مردم در فعلیت بخشیدن به حکومت دینی و ولایت فقیه: اگر نظام اسلامی را به یک مثلث تشبیه کنیم، یک ضلع آن را رهبری دینی و ضلع دیگر را قرآن و قوانین و احکام اسلام به شمار آوریم، به طور قطع مردم ضلع سوم و قاعده آن هستند که زمینه ساز حاکمیت رهبری و اجرای قوانین خواهد بود و مفهوم مردم سالاری دینی هم این است. بنابراین مردم حق انتخاب دارند و اگر منتخب آنان با منتخب ذات باری تعالی منطبق باشد آن جامعه و حکومت الهی خواهد بود.

۹. اعتقاد و التزام به اصول و مبانی نظام اسلامی: حکومت دینی و نظام اسلامی در عصر ما اصول و ضروریاتی دارد که اعتقاد و التزام به آنها از شاخص های یک جریان اسلامی است این اصول و ضروریات عبارتند از: ولایت فقیه، قانون اساسی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و امثال اینها که نماد اسلامیت و جمهوریت نظام به شمار می آیند.

۱۰. همگرایی و تبعیت کامل از ولی فقیه: در نظام دینی، محور نظام رهبری است، چه پیامبر یا امام معصوم باشد و یا ولی فقیه. همسویی و همگرایی با محوریت نظام و تبعیت شرط اساسی اسلامی بودن یک جریان است. در روایتی آمده: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْأَمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرْدَّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ»^۲؛ بنده خدا مؤمن نخواهد شد مگر اینکه خدا و رسول خدا را بشناسد، ائمه را به تمامه بشناسد و امام زمانش را هم بشناسد و در امور به او مراجعه کند و تسلیم او باشد. تبعیت از ولی فقیه در زمان غیبت، خود بهترین فرمانبری از امام زمان (عج) خواهد بود.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۱۱. پرهیز از همگرایی و همکاری و همسویی با جریانهای غیر خودی و معارض با حکومت دینی: در نظام الهی و حکومت دینی پیش‌بینی جاذبه و دافعه منطقی در چارچوب و معیارها و شاخص‌ها از الزامات یک جریان اسلامی است. مسئله تولی و تبری و ارتباط به جریانهای خودی به ویژه حرکت بر محوریت رهبری و پرهیز و مرزبندی با جریانهای غیر خودی جزء مبانی اعتقادی و رفتاری است.

۲/۵. راه‌های شناخت ماهیت احزاب و تشکلهای

اگر چه به طور معمول ماهیت یک حزب و تشکل سیاسی را از طریق اساسنامه و مرامنامه (به عنوان شناسنامه) آن گروه می‌شناسند، اما با توجه به فراز و نشیب‌ها و پیروزی و شکستهای که رخ می‌دهد و حوادث مهمی که در کشور اتفاق می‌افتد، بهترین راه برای دستیابی به ماهیت احزاب و گروه‌ها همانا مراجعه به بیانیه‌ها، مواضع و عملکرد آنان در قبال حوادث و متغیرها و بررسی میزان انطباق دیدگاهها و مواضع و عملکرد اعضا با اساسنامه و مرامنامه می‌باشد. چه بسا احزاب و گروه‌هایی در آغاز حرکت دارای مبانی اعتقادی و دیدگاه خاصی بوده و در بستر زمان دچار واکشورگی و استحاله و عدول از مواضع قبلی گردیده‌اند. بنابراین ارزیابی محتوای بیانیه‌ها، مواضع دبیرکل و شورای مرکزی یک حزب و عملکرد آن در بستر زمان مبین همسویی و همراهی با اصول و مبانی و برخورداری از شاخص‌های اصلی حزب و گروه خواهد بود.

۳. روش و جهت‌گیری پژوهش

روش و شیوه پژوهش توصیفی و میدانی است و بناست مجموعه‌ای از احزاب و تشکلهای مطرح و تأثیرگذار در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی با گرایشات متفاوت واکاوی شوند. و با مراجعه به اسناد و مدارک، اساسنامه و مرامنامه، بیانیه‌ها، مواضع صریح و عملکردها در عرصه‌های مختلف و در صورت لزوم و امکان، مراجعه به دبیرکل و شورای مرکزی و طرح پرسشهای مورد نظر، چهره روشنی از تشکلهای احزاب و گرایشهای آنان در معرض آگاهی و ارزیابی پاسداران و بسیجیان نهاده شود تا بتوانند جریانهای تشکلهای با گرایشها و مبانی ناب دینی، و همراه با مبانی اصول و ضروریات نظام، و همگرا و همسو با خط امام و رهبری معظم انقلاب را از جریانهای تشکلهای دگراندیش و مدعی خط امام جدا کنند و در جهت‌گیری‌ها و حرکتهای بتوانند تعامل و جهت‌گیری مناسب را انتخاب نمایند.

از این رو، تدوین تاریخچه و تبیین همه ابعاد و عملکرد یک حزب و یا معرفی و پرداختن به همه زوایای شخصیتی اعضای شورای مرکزی و فرایند شکل‌گیری منظور نبوده است. همچنین سعی بر این بوده که با تکیه بر مستندات، از دایره انصاف خارج نشویم. نکته حائز اهمیت این است که در پاره‌ای موارد، دسترسی به همه منابع و آثار احزاب و تشکل‌های مورد بحث، به ویژه آن‌ها که تاریخچه کوتاهی دارند، امکان‌پذیر نبود که به طور طبیعی قصور در اینگونه موارد از ناحیه دست‌اندرکاران قابل‌گذشت خواهد بود.

والسلام

علی سعیدی شاهرودی

www.ketab.ir